

ارسال: ۱۴۰۲/۱/۳۱

پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۱۰

10.22034/nf.2024.394073.1248

بازتاب مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار روزنامه جنگل

جواد نظری مقدم* (استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشکده گیلان‌شناسی، دانشکده گیلان، گیلان، ایران)
مسلم نادعلی زاده (استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی اهل بیت علیهم‌السلام، تهران، ایران)

چکیده: آثار حوزه ادبیات پایداری می‌تواند بازتابی باشد از چگونگی مقاومت و پایداری جامعه ایرانی و مبارزات سیاسی-اجتماعی آن در برابر تجاوز قدرت‌های خارجی و ظلم حکومت‌های استبدادی. «جنبش جنگل»، به‌رهبری میرزا کوچک جنگلی، یکی از نمادهای مقاومت مردم ایران در برابر استبداد و استعمار و پیش‌درآمدی بر انقلاب اسلامی ایران به‌شمار می‌رود. بخش درخور توجهی از باورها و عقاید رهبران و کشتگران جنبش مزبور در قالب شعر، به زبان فارسی و گویش گیلکی، در روزنامه جنگل (نشریه رسمی این جنبش مردمی) بازتاب پیدا کرده‌است. در این مقاله تلاش شده‌است، ضمن بررسی محتوایی اشعار مندرج در روزنامه جنگل، به‌مثابه یکی از موارد ادبیات پایداری، برجسته‌ترین و مهم‌ترین مضامین آمده در آن نیز تدقیق شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد میهن‌دوستی و ملیت، دعوت به اتحاد و همدلی، تأکید بر هویت دینی و اسلامی، بیگانه‌ستیزی و نقد سیاست‌های بین‌المللی، نقد و اعتراض به وضع نابسامان داخلی، دعوت به قیام و مبارزه مسلحانه، و نیز دفاع از ارزش‌هایی مانند استقلال‌طلبی و آزادی و عدالت‌خواهی ازجمله مهم‌ترین مؤلفه‌های ادبیات پایداری است که در اشعار آن روزنامه بازتاب یافته‌است.

کلیدواژه‌ها: جامعه‌شناسی ادبیات، ادبیات پایداری، جنبش جنگل، روزنامه جنگل، میرزا کوچک جنگلی.

مقدمه

ادبیات پایداری به‌مثابه یکی از موارد ادبی تحت تأثیر اسبابی چون خفقان و استبداد داخلی، فقدان آزادی‌های فردی و اجتماعی، ناپایداری دستگاه‌های سیاسی به قانون و عدالت، و نیز غصب قدرت و سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی خلق می‌شود. بنابراین، جان‌مایه آثار مخلوق چنین

* j.moghaddam@guilan.ac.ir

ادبیاتی مبارزه با ظلم و ستم داخلی و تجاوز بیگانگان در حوزه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی است و نیز ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی (← سنگری، ص ۴۵). آنچه این نوع ادبی را از دیگر انواع ادبی متمایز می‌کند پیام و مضمون آن است. این نوع از آثار ادبی—چه در قالب نثر و چه در قالب شعر—با مضامینی چون نفی وضعیّت ظالمانه موجود، دعوت به ایجاد وضعیّتی عادلانه، دفاع از حقّ و حقیقت، و نیز نفی باطل و مبارزه با آن همراه است. (← عیسی‌نیا، ص ۱۲۳)

بخشی از میراث ادبیات پایداری در تاریخ ایران—به موازات شکل‌گیری جریان‌ها و جنبش‌های استقلال‌طلبانه و آزادی‌خواهانه اواخر دوره قاجار در مواجهه با تجاوز و سیاست‌های استعماری دول خارجی و استبداد داخلی—در قالب سروده‌های شاعران در جرّاید و روزنامه‌ها بازتاب یافته‌است. مطالعه و بررسی این بخش از میراث ادبی جامعه ایرانی تصویر نسبتاً روشنی از مقاومت ملی ایرانیان و پایداری‌شان در مبارزات سیاسی-اجتماعی ارائه می‌کند.

بیان مسئله

جنبش جنگل، که در حوالی سال‌های ۱۲۹۴ تا ۱۳۰۰ ش و به رهبری میرزا کوچک جنگلی در شمال ایران شکل گرفت، یکی از مهم‌ترین صفحات تاریخ ایران به شمار می‌رود و نه تنها از بُعد سیاسی-نظامی بلکه از بُعد فرهنگی-اجتماعی نیز شایسته توجّه و بررسی است. «جنگلی»ها، متأثر از امکانات جدید در حوزه نشر و مطبوعات و با استفاده از ابزار رسانه، به تنویر افکار عمومی و نشر عقاید و باورها و خواسته‌ها و انتظارات خود در سطحی وسیع مبادرت می‌جستند. یکی از شیوه‌های انتقال پیام جنبش مزبور به مخاطبان ملی و محلی خود بهره‌جستن از ابزار شعر و ادبیات در روزنامه جنگل (نشریه رسمی این جنبش) بود.

اشعار انتشار یافته در جنگل از مهم‌ترین و باارزش‌ترین اسناد و موارث به‌جای مانده این جنبش است که متأسفانه کمتر مورد توجّه محققان تاریخ قرار گرفته؛ و مضامین آن‌ها تا اندازه‌زیادی می‌تواند گویای نظام فکری حاکم بر جنبش و جهت‌گیری فکری-سیاسی رهبران آن باشد.

چنان‌که اشاره شد، جنگل سندی است گویا از عقاید و باورها و جهت‌گیری‌های رهبران جنبش که بخشی‌شان، در قالب شعر و سروده‌های ادبی، در آن روزنامه انعکاس یافته و امروز در دسترس ماست. مطالعه و مرور این اشعار، درواقع، مرور و بازخوانی باورها و خواسته‌ها و ارزش‌های مورد تأکید جنگلی‌هاست. آنان، در قالب این اشعار، از گرایش‌ها و انگیزه و اهداف سیاسی-اجتماعی و آرمان‌های خود و چرایی نبرد سخن گفته و به بیان انتظارات و مطالبات خود از جامعه و نظام حاکم پرداخته‌اند. در نتیجه، مطالعه و بررسی این آثار مکتوب گامی است در جهت بازشناسی اندیشه‌ها و

آرمان‌های جنبش جنگل و نیز مهم‌ترین مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار مندرج در جنگل. براین اساس کوشش می‌شود، ضمن تمرکز بر اشعار بخش ادبیات روزنامه‌یادشده، به این دو سؤال پاسخ داده شود: ۱) در متن اشعار جنگل، چه مؤلفه‌هایی از ادبیات پایداری بازتاب یافته؟ ۲) برجسته‌ترین عناصر محتوایی و مضمونی این اشعار کدام است؟

پیشینه پژوهش

محمد طاهری خسروشاهی، در مقاله «ادبیات پایداری در شعر دوره قاجار» (مطالعات ملی، سال دوازدهم، ش ۲ (پیاپی ۴۶)، تابستان ۱۳۹۰، ص ۱۳۳-۱۵۶)، ابعاد و شاخصه‌های ادبیات پایداری را در شعر دوره قاجار بررسی کرده‌است. تدقیق محتوایی پژوهش مزبور نشان می‌دهد این ادبیات ضد استعماری، به مثابه یکی از ابعاد ادبیات پایداری، پس از استقرار مشروطیت تا خلع قاجاریه از سلطنت به حرکت تعالی بخش خود ادامه داده و، با جنگ جهانی دوم و اشغال ایران به دست دول استعماری، به اوج خود رسیده‌است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که واکنش شاعران، در مقابل جنگ‌های روس با ایران و اشغال قفقاز، حیاتی تازه به شعر فارسی عصر قاجار بخشیده و، با انعکاس روح میهن پرستی، ادبیات پایداری و شعر بیداری ایران هویت برجسته‌تری به خود گرفته‌است.

عبدالله متولی، در مقاله «رویکردها و نگرش‌های اساسی در روزنامه جنگل» (جستارهای تاریخی، سال دوم، ش ۲ (پیاپی ۴)، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، ص ۹۵-۱۱۵)، با تمرکز بر رسانه و روزنامه جنگل (نشریه رسمی جنبش)، به بررسی نگرش‌ها و جهت‌گیری‌ها و مهم‌ترین اهداف جنگلی‌ها پرداخته‌است. از نگاه او، با گسترش فعالیت نهضت جنگل، رهبران آن، برای اشاعه اندیشه و تفکرات اصلاحی و انتقادی خود، روزنامه‌ای موسوم به جنگل را منتشر کردند و، در آن، ضمن معرفی دیدگاه‌ها و اهداف خود، به نقد و ارزیابی عملکرد حکومت مرکزی و کارکرد چهره‌های سیاسی و اقدامات روسیه و انگلیس پرداختند. در مقاله مذکور، همچنین، مهم‌ترین دغدغه‌های نویسندگان روزنامه و نگاه آن‌ها به اوضاع جامعه بررسی و تحلیل شده‌است.

علی کریم حدیثی، در مقاله «استقلال و حفظ هویت ملی در بررسی تحلیل محتوای روزنامه جنگل؛ ارگان جنبش میرزا کوچک‌خان» (مطالعات ملی، سال پانزدهم، ش ۳ (پیاپی ۵۹)، پاییز ۱۳۹۳، ص ۱۷۹-۲۰۵)، ضمن تحلیل محتوای روزنامه، به بررسی اهداف و انگیزه‌های جنبش میرزا کوچک جنگلی پرداخته‌است. بررسی سیر تاریخی حرکت میرزا، نقش او در تحولات مردم گیلان در انقلاب مشروطه، و نیز عوامل تکوین و استمرار جنبش جنگل موضوعات پژوهش مذکور است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد

جنبش میرزا کوچک خان بر استقلال کشور، حفظ هویت ملی و هم‌بستگی، حمایت از مجلس نوظهور در کشور، و نیز پادشاهی مشروطه استوار بوده‌است و جنگلیان در این مسیر حرکت کرده‌اند. در برخی شماره‌های جنگل، سروده‌های اسماعیل دهقان (از شاعران و کنشگران جنبش جنگل) انتشار یافته‌است. رحمان زارع و غلامرضا کافی، در مقاله «بازتاب نهضت جنگل در شعر اسماعیل دهقان» (ادبیات دفاع مقدس، سال چهارم، ش ۱ (پیاپی ۶)، بهار و تابستان ۱۳۹۹، ص ۲۷-۳۶)، با روش تحلیلی-توصیفی و با هدف نشان دادن جایگاه نهضت جنگل در نگاه اهل شعر و ادب، چگونگی بازتاب آن جنبش و مؤلفه‌های پایداری را در شعر اسماعیل دهقان بررسی کرده‌اند. یافته‌های پژوهش مزبور نشان می‌دهد اصیل‌ترین و عمیق‌ترین مؤلفه‌های پایداری و منشور رفتاری نهضت جنگل به کمک شعر دهقان قابل فهم است. از نگاه نویسندگان آن مقاله، عدالت‌طلبی، وطن‌خواهی، بیگانه‌ستیزی، اعتراض به حکومت وقت، تحریم به قیام علیه ظلم، و نیز دغدغه‌های ملی‌گرایانه و میهن‌پرستانه از جمله مؤلفه‌ها و مضامینی‌اند که در شعر این شاعر و مبارز نهضت جنگل بازتاب یافته‌است.

ضرورت و اهمیت بحث

مطالعه و بررسی مضامین ادبیات پایداری، درواقع، مطالعه بخشی از تاریخ و هویت جامعه ایرانی است که چندان مورد توجه پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی قرار نگرفته. بررسی مؤلفه‌های ادبیات پایداری در مضامین اشعار مندرج در جنگل، ضمن کمک به بازشناسی اهداف و انگیزه‌های جنبش مزبور، زمینه بسط مطالعات حوزه ادبیات پایداری در ابعاد محلی و ملی را فراهم خواهد کرد. با نگاهی به پژوهش‌های حوزه ادب پایداری می‌توان دریافت که تاکنون پژوهشی علمی درخصوص تحلیل محتوای همه اشعار مندرج در جنگل، با هدف بررسی و تحلیل مؤلفه‌های ادبیات پایداری، انجام پذیرفته‌است.

بحث

پژوهشگران حوزه ادبیات پایداری مؤلفه‌های متعددی برای شعر پایداری برشمرده‌اند. به برخی از آن‌ها در پژوهش‌های کسانی چون غلامرضا کافی («پیشنهادی برای رج‌بندی گروه مؤلفه‌های ادبیات پایداری»، نشریه ادبیات پایداری، سال سیزدهم، ش ۲۴، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ص ۱۳۷-۱۶۷)، محمد مرادی (ترانه‌های مسلسل، اداره کل حفظ و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، شیراز ۱۳۹۳)، محمدصادق بصیری (سیر

تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان ۱۳۸۸)، و محمدرضا سنگری (نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، پالیزان، تهران ۱۳۸۰) اشاره شده است.

کافی، در مقاله یادشده، ضمن بررسی و مطالعه آثار حوزه ادبیات پایداری و با هدف عرضه و رده‌بندی «گروه مؤلفه‌های ادبیات پایداری» از طریق شیوه‌ای نظام‌مند و هماهنگ و همسان در پژوهش‌های این حوزه، مهم‌ترین مؤلفه‌های این نوع ادبیات را در قالب نه مقوله دسته‌بندی کرده است: ۱) مؤلفه‌های بر بنیان تبیین هویت؛ ۲) مؤلفه‌های بر بنیان ستم‌ستیزی و طرد بیگانه؛ ۳) مؤلفه‌های بر بنیان سلحشوری و روحیه جنگاوری؛ ۴) مؤلفه‌های بر بنیان شکیبایی و آمادگی دفاعی؛ ۵) مؤلفه‌های بر بنیان نیک‌خواهی؛ ۶) مؤلفه‌های بر بنیان بصیرت و بینش؛ ۷) مؤلفه‌های بر بنیان آگاهی‌بخشی؛ ۸) مؤلفه‌های بر بنیان انفاق و وحدت؛ ۹) مؤلفه‌های بر بنیان آیین فتوت. (← کافی، ص ۱۴۰)

در پژوهش حاضر تلاش خواهد شد، ضمن توجه به دسته‌بندی موضوعی یادشده، چگونگی بازتاب مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار انتشار یافته در جنگل بررسی شود.

این پژوهش یک بررسی توصیفی-تحلیلی است و، در آن، ضمن تحلیل محتوای اشعار روزنامه جنگل، به مهم‌ترین مؤلفه‌های ادبیات پایداری مستخرج از آن پرداخته خواهد شد. از آنجاکه تحلیل محتوا روشی است که، منظم و عینی، خصوصیات پیام‌ها را در متن تدقیق می‌کند (← دلاور، ص ۲۷۵)، در مقاله حاضر، ضمن بررسی مضامین اشعار و با خوانش مکرر و دقیق آن‌ها، تلاش می‌شود مقوله‌های مورد نظر در چارچوب مؤلفه‌های ادبیات پایداری احصا شود.

روزنامه جنگل؛ رسانه جنبش

استفاده از ابزارهای رسانه‌ای در جنبش سیاسی-اجتماعی جنگل ابتکاری درخور توجه بود که مبارزان جنگل با هوشمندی و ذکاوت تمام اقدام به آن کردند تا، از این راه، زمینه تداوم حرکت جنبش و معرفی اهداف و برنامه‌ها و فعالیت‌های آن فراهم آید. جنگل (نشریه چاپ‌سنگی) حاوی افکار و اقدامات جنگلی‌ها بود و هفته‌ای یک بار در «کسما» (یکی از دهستان‌های صومعه‌سرای گیلان) انتشار می‌یافت. این روزنامه -با خط نستعلیق متعلق به علی حبیبی- در ابتدا زیر نظر غلامحسین نویدی کسمایی و، از شماره دوم به بعد، زیر نظر حسین کسمایی (مجاهد معروف دوران مشروطیت) اداره می‌شد. (← فخرایی، ص ۱۴۱)

انتشار نخستین دوره روزنامه جنگل -مشمول بر ۳۱ شماره- از یکشنبه ۱۹ شعبان ۱۳۳۵ ه.ق (۲۰ خرداد ۱۲۹۶ ش؛ ۱۰ ژوئن ۱۹۱۷ م) شروع شد و تا سه‌شنبه ۱۷ شعبان ۱۳۳۹ ه.ق (۶ اردیبهشت ۱۳۰۰ ش و ۲۶ آپریل ۱۹۲۱ م) ادامه یافت. در نخستین شماره، غلامحسین کسمایی نویدی مدیر مسئول

روزنامه معرفی شد و، از شماره دوم تا سیزدهم، حسین کسمایی. بار دیگر، از شماره ۱۳ تا ۳۱، صرفاً نام غلامحسین کسمایی نویدی در سمت مزبور درج گردید. دوره دوم نشریه، از شنبه ۱۳ مرداد تا سه‌شنبه ۱۶ دی ۱۲۹۷ ش (۱ تا ۴ ربیع‌الثانی ۱۳۳۷ هـ.ق/ ۴ تا ۷ ژانویه ۱۹۱۹ م)، در چهار شماره انتشار یافت و دوره سوم نیز، از پنجشنبه ۱۰ تیر تا دوشنبه ۴ مرداد ۱۲۹۹ ش (۱۴ شوال تا ۱۰ ذی‌القعدة ۱۳۳۸ هـ.ق/ ۱ تا ۲۶ جولای ۱۹۲۰ م)، در پنج شماره. (← میرزائاد موحد، ص ۱۳)^۱

جنگل هربار، در هشت صفحه، به‌صورت چاپ‌سنگی انتشار می‌یافت که این خود گویای برخورداری جنگلی‌ها از امکانات کافی و مطلوب چاپ و نشر در آن زمان است. همچنین، با درج مطالبی شفاف، استبداد و ارتجاع و بیگانه‌پرستی را محکوم و به بریتانیا و دولت انگلیس شدیدترین حملات را وارد می‌کرد. (← گلی‌زواره، ص ۱۱۳)

بخشی از مطالب جنگل از این‌قرار بود: انعکاس اخبار و رویدادهای سیاسی، درج دیدگاه‌های دیگر رسانه‌ها در خصوص مبارزان جنبش جنگل، بررسی چگونگی بازتاب اخبار گیلان و جنبش در مطبوعات داخلی و خارجی، نقد جامعه ایرانی و بررسی دلایل عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی ایران، و نیز پرداختن به برخی حوادث اجتماعی و سیاسی و نظامی.

اشعار روزنامه جنگل

از نکات جالب توجه در باب جنبش جنگل حضور برخی شخصیت‌های ادبی-فرهنگی در جنبش و ارتباط و همراهی‌شان با آن است؛ ازجمله میرزا حسین کسمایی و اسماعیل دهقان که هر دو نقشی پُررنگ و چشمگیر در هدایت و راهبری جنگل داشتند و برخی از اشعارشان نیز در آن انتشار یافت. اشعار انتشاریافته در جنگل از مهم‌ترین مواریت و آسناد به‌جای‌مانده جنبش جنگل به شمار می‌رود و، تا اندازه‌زیادی، می‌تواند گویای نظام فکری حاکم بر جنبش و جهت‌گیری‌های فکری و سیاسی رهبران آن باشد. در ۲۵ شماره از ۴۰ شماره جنگل، بیست و پنج فقره شعر منتشر شده که بیست و سه سروده حاوی مضامین سیاسی-اجتماعی است و دو سروده حاوی مضامین عاشقانه و غیر سیاسی.

هجده شعر، از این میان، به فارسی سروده شده‌است و هفت شعر به گیلکی. زبان دو شعر، از اشعار منتشرشده به فارسی، محاوره‌ای و عامیانه است اما باقی اشعار به زبان معیار سروده شده. نام سرایندگان اغلب اشعار نیز نامعلوم است. در انتهای برخی اشعار، عناوین و نام‌هایی

۱. شایان ذکر است تاریخ‌هایی که میرزائاد موحد در «مقدمه» بر روزنامه جنگل آورده بعضاً مغلوط است و، در اینجا با مراجعه به نسخه‌های چاپ‌شده جنگل، تصحیح شد. ویراستار

مستعارگونه همچون «کرمانی» (یک مورد)، «س.م.ش» (یک مورد)، «جنگلی برار [برادر جنگلی]» (یک مورد)، «ح.ک» (یک مورد) دیده می‌شود. حسین کسمایی و اسماعیل دهقان از معدود سرایندگانی‌اند که به نامشان تصریح شده. شمار شعرهای منتشرشده از اسماعیل دهقان پنج فقره است. قالب‌های شعری اشعار جنگل، اغلب، قطعه و مستزاد و مسمط و مثنوی است. اوزان اشعار نیز متنوع و سبک کلی سروده‌ها سبک دوره مشروطه است و یادآور شعر شاعران مشهور این دوره همچون سیداشرف‌الدین گیلانی (نسیم شمال)، میرزاعلی اکبر دهخدا، میرزاده عشقی و...؛ زیرا ذکر مضامین اجتماعی-سیاسی، با رویکرد انتقادی، از مهم‌ترین شاخصه‌های محتوایی اشعار شاعران جنبش جنگل است. بهره‌گیری از زبان و اصطلاحات مردم کوچه و بازار و نیز کاربرد کلیدواژه‌هایی چون «وطن»، «آزادی»، «استبداد»، «عدالت»، و «حق‌طلبی» از دیگر ویژگی‌های اشعار راه‌یافته به آن روزنامه است. در ادامه تلاش می‌شود برجسته‌ترین مضامین و مفاهیم اشعار چاپ‌شده در جنگل بررسی شود.

مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار روزنامه جنگل میهن‌دوستی و احساسات ملی‌گرایانه

جنبش جنگل از جمله مهم‌ترین جنبش‌های سیاسی-نظامی تاریخ معاصر ایران است که با هدف حراست از وطن و مقاومت در برابر بیگانگان شکل گرفت. خط‌مشی سیاسی جنگلی‌ها و مقاومتشان در برابر استبداد داخلی و مداخله و نفوذ خارجی، به‌ویژه انگلیسی‌ها، مورد توجه جماعت فراوانی از سرایندگان اشعار حماسی و سیاسی قرار گرفت و برخی از آن‌گونه اشعار در جنگل انتشار یافت. عشق به وطن و هویت ملی و میهنی از دیگر مضامین و مؤلفه‌های ادبیات پایداری است که در بسیاری از اشعار آن روزنامه بازتاب یافته. کلیدواژه‌هایی چون «خاک»، «وطن»، «ایرانیان»، و «ملی» از مفاهیم پُربسامدی است که در این اشعار حماسی و سیاسی آمده و دلالت دارد بر وطن‌دوستی و وطن‌پرستی رهبران و فعالان جنبش جنگل. در یکی از اشعار، ضمن آرزوی زنده ماندن همیشگی یاد وطن‌خواهان و خشنودی روح و روان آنان، برای بدخواهان وطن مرگ یاد و نامشان خواسته می‌شود:

یادِ خواهانِ وطنِ زنده، روانش خشنود یادِ بدخواه وطنِ مُرده و نامش مردود

(جنگل، ش ۸، ص ۷)

از طرفی، از نگاه کنشگران جنبش جنگل، مبارزه برای حفظ وطن «ارزش» تلقی می‌شود و رواست که انسان جان خود را در این راه بدهد:

سیلِ فتنِ جاری است ز جویبارِ وطن خیز سروجان کنیم هلا نثارِ وطن

(همان، ش ۲۹، ص ۷)

حفظ میراث ملی و خاک وطن و حراست از آن در برابر دشمنان — به‌ویژه انگلیس — از مهم‌ترین و مستمرترین اهداف جنگلی‌ها بوده‌است. در یکی از اشعار گیلکی جنگل، ضمن آگاهی‌بخشی به مخاطبان از دسیسه‌ها و تجاوزگری‌های انگلیس، چنین آمده‌است:

اما تو خاطر جمع ببو تا جنگلین زنده اسن تره وانالن تا بسی آن خاکی نوشروان سر
(همان، ش ۱۷، ص ۸)

[معنی شعر: اما تو خاطر جمع باش که، تا جنگلی‌ها زنده‌اند، به تو اجازه نمی‌دهند خاک سرِ انوشیروان را بسوزانی.]

تأکید بر هویت دینی و اسلامی

تأکید بر باورهای دینی و اسلامی یکی دیگر از مؤلفه‌های ادبیات پایداری است که در اشعار جنگل بازتاب یافته. محتوای برخی از این اشعار از وجود انگیزه‌های دینی و اسلامی در میان کنشگران جنبش جنگل حکایت می‌کند. میرزا کوچک‌خان (رهبر جنبش) خود طلبه‌ای بود که، در واکنش به ضعف حکومت مرکزی در اداره امور کشور و درماندگی آن از ایستادگی در برابر تجاوز بیگانگان به کشور، اسلحه در دست گرفته و لباس رزم بر تن کرده بود. جنگلی‌ها خود را «نگهبان حقوق ایرانیان» و «منور افکار اسلامیان» (← همان، سرعنوان روزنامه) می‌دانستند. تدقیق در اشعار روزنامه نشان می‌دهد که آنان اعتقادات اسلامی — شیعی داشته و، در راه حفظ وطن و حراست از هویت و میراث ملی، از خداوند یاری می‌جسته‌اند. این ابیات گواه این مدعاست:

راه دکفید؛ خدا شمه پشت و پناهه همه جا هرچی می دل دعا داره، اگر بگویم، نوشتیدی
هرکه عدالته خواهه، خدا اونه ظفر دهه شما که حق پرستیدی مردم خوش سرشتیدی
(همان، ش ۲۷، ص ۷)

[معنی شعر: راه بیفتید؛ خدا، در همه جا، پشت و پناه شماست. هرچه دلم دعا دارد، اگر بگویم، می‌نوشتید. هرکس عدالت بخواهد، خداوند به او ظفر و پیروزی می‌دهد. شما که حق پرستید مردمی خوش سرشتید.]

در جایی دیگر نیز، ضمن تکیه بر نیروی الهی، از پیامبر و امامان صلوات‌الله‌علیهم مدد می‌جوید:

آب هو آب، و خاک هو خاک، آما جه او دوده پاک آی خدا جان مدد بکن جان نبی امام سر
(همان، ش ۱۳، ص ۶)

[معنی شعر: آب همان آب، و خاک همان خاک، و ما از آن دودمان پاکیم. ای خدا جان مدد کن جان پیامبر ص، سر امام ع.]

آمدن دو کلیدواژه «وطن» و «اسلام» در کنار هم گواهی است بر اینکه جنبش جنگل هویتی ملی و، در عین حال، مذهبی داشته و آرمان رهبرانش تقویت توأمان ایران و اسلام بوده‌است:

ای جان و تنم فدای جنگل جان تازه شد از ندای جنگل
اسلام و وطن به صوت دلکش پُر کرده چه خوش فضای جنگل!
(جنگل، ش ۲۸، ص ۷)

در آخرین شماره جنگل، یعنی شماره چهارم، ضمن اشاره به پیروزی‌های اسلام و جنگلی‌ها در برابر دشمنان، چنین آمده است:

زلف مشکین کندت بر رخ سیمین تعظیم کفر را بین که چه سان تابع اسلام افتاد!
(همان، [ش ۴۰]، ص ۵۶۴)

دعوت به اتحاد و همدلی

اگرچه خاستگاه اصلی و مرکزی جنبش جنگل گیلان و منطقه شمال ایران بوده است، دغدغه‌های کنش‌گران جنبش نه محلی-قومیتی بلکه ناظر به مسائل کلان ملی-مملکتی بوده است. بر این اساس، مخاطب مبارزان جنگل فقط مردم شمال ایران نبودند. تدقیق در محتوای جنگل نیز حاکی از آن است که دعوت به اتحاد و همدلی (از مهم‌ترین و شاخص‌ترین مؤلفه‌های ادبیات پایداری) در اشعار آن روزنامه بازتاب فراوان یافته است. جنگلی‌ها همه ملت ایران را مخاطب قرار داده و، در یادداشت‌ها و مکتوبات و اشعار منتشرشده خود در روزنامه، بر ضرورت هم‌گرایی و تلاش ملی و اتحاد و عزم همگانی گروه‌ها و جریان‌های سیاسی برای ساختن و آبادانی ایران تأکید ورزیده‌اند. از جمله در شعری، ضمن مخاطب‌قرار دادن اتحاد ملت و دعوت به «جنبش» و «کوشش ملی»، این چنین آمده:

این دوره چو پارینه می‌آرید بهانه ای ملت بدبخت، کو جنبش ملی؟
این شنبه چو آدینه نشستید به خانه تا وقت کشد رخت، کو کوشش ملی؟
(همان، ش ۱، ص ۸)

همچنین، در برخی سروده‌ها، ضمن بر حذر داشتن ملت از اختلاف و دودستگی، علاج همه دردها و مشکلات - با لحن و بیانی تأکیدگونه - «اتحاد» و «اتحاد» دانسته شده است:

آه که ما غافلیم ز حال زارِ وطن که شد، ز بادِ نفاق، خزان بهارِ وطن
اگرچه داده است خصمِ خرمنِ ما را به باد شکوه نماکم ز غیر؛ ز خویشتن داد داد
چرا که خارج شدیم از ره و رسمِ و داد علاج این درد نیست جز اتحاد اتحاد
(همان، ش ۲۹، ص ۷)

در یکی از اشعار گیلکی آن روزنامه نیز بر ضرورت «اتفاق» (هم‌بستگی) و «اتحاد» ملت، با هدف شکست و بیرون‌راندن «دشمنان» از کشور، تصریح شده:

شایدکه، آخر بسره، به اتفاق و اتحاد ایران بیابه خلاصی از دشمنان پُرضرر
(همان، ش ۳۰، ص ۸)

[معنی شعر: شایدکه، در سر آخر، با اتفاق و اتحاد، ایران از دشمنان پُرضرر خلاصی یابد.]

نقد و اعتراض به وضع نابسامان داخلی

«نقد به وضع موجود و راهنمایی به وضع مطلوب» (کافی، ص ۱۶۱) یکی از مؤلفه‌های ادبیات پایداری است. اساساً می‌توان گفت خیزش و جنبش جنگلی‌ها در شمال ایران واکنشی بود به اوضاع نابسامان سیاسی-اقتصادی کشور در اواخر دوره قاجار و نیز ضعف حکومت مرکزی در اداره امور مملکت. گزارش آشفتگی وضع داخلی کشور و نقد رفتارها و سیاست‌های نامطلوب برخی دولتمردان از موضوعاتی است که در اشعار جنگل بازتاب یافته‌است. اشعاری چند حکایت از آن دارد که مبارزان جنگلی همواره بر مسئله ایران، به مثابه وطن، تکیه داشته و دغدغه‌شان فراتر از اقتضائات محلی-قومیتی بوده‌است.

از نگاه جنگلی‌ها، اوضاع «ایران» آن‌زمان به قدری اسفناک است که هر «ایرانی» وطن‌پرستی را «محزون» می‌کند و از «دیده» اش اشک «خون» می‌ریزند:

صدای ناله ایران و آن ایرانی شنید هرکه چو محزون ز دیده خون‌ریز است
(جنگل، ش ۲۴، ص ۷)

از دیدگاه کنشگران جنبش جنگل، در جایی که عواملی چون سیاست‌های خصمانه بیگانگان و وضع نابسامان داخلی و ضعف دولت مرکزی اوضاع سخت و نامطلوبی برای ایرانیان رقم زده و به «غارت» زدگی و «ویرانگی» مملکت انجامیده‌است، غیرت و «تعصب» و «حمیت» و «شرف» و عزم ملی نیز برای رفع این مشکلات وجود ندارد:

مملکت پامال شد، دولت گدا، ملت فنا ما به فکر خودپرستی؛ این بُود مردانگی؟!
پایتخت مملکت ضدیت و قال و مقال در شمال و در جنوبش غارت و ویرانگی
نی تعصب، نی حمیت، نی شرف، نی عار و ننگ بارک‌الله! آفرین! به به از این فرزاندگی!
(همان، ش ۱۲، ص ۷)

با نگاهی به اشعار جنگل می‌توان دریافت که، از نظر جنگلی‌ها، مملکت در حال فروپاشی و سقوط است و اختلاف و تفرقه میان گروه‌های مختلف جامعه فراگیر شده:

مملکت در حال نزع و ما گرفتار نزع پای ما در گنده و ما گرم کندوی عسل
(جنگل، ش ۴، ص ۷)

در شعری برخوردار از حال و هوای عاشقانه، ضمن تعریض به پادشاه و زیر سؤال بردنش به سبب وجود قتل و غارت و ظلم و ستم در کشور، از جور بی حد و حصر حکومت شکوه و «ترخم آوردن بر رعایا» و کسب «ثواب» به واسطه «دستگیری درماندگان» تقاضا می‌شود:

صبا تو حال دلم عرضه کن به حضرت یار بگو که «پادشها کشورت خراب آمد
حریق و غارت و قتل و جفا و جور و ستم به عاشقان تو این ظلم بی حساب آمد
ترخمی به رعایای خانمان بر باد که دستگیری درماندگان ثواب آمد».

(همان، ش ۱۲، ص ۷)

جنگلی‌ها خود را متعهد به احراز آرمان‌های مشروطه می‌دانستند؛ چنان‌که در شعری از دهخدا، که در روزنامه چاپ شده، ضمن نقد اوضاع حاکم بر جامعه ایرانی، از تحقق نیافتن اهداف و آرزوهای مشروطه‌خواهان گله می‌شود:

مشدی اسمال نمی‌دونی چی کشیدیم به حق چقده واسه مشروطه دویدیم به حق
پاهامان پینه زد و پلک پریدیم به حق یه جوان پرو پاقرص ندیدیم به حق

همه، از پیر و جوان، رمال و وردار شده

(همان، ش ۳، ص ۵)

نقد عملکرد دولتمردان و مسئولان مملکتی و درباره از دیگر موضوعاتی است که در اشعار جنگل به آن پرداخته شده:

هیچ‌کسی واسه ما یک‌پا پاسی کار نکرد یه ازین خوش‌غیرتا ذره‌ای کردار نکرد
چه خیونت‌ها که آن بی‌رگ دین‌دار نکرد! تا سوار خر خود شد، خرشو بار نکرد

باز بگو مشروطه از ما چرا بیزار شده!

(همان‌جا)

گاه نیز، در برخی سرمقاله‌ها یا یادداشت‌ها یا بیانیه‌ها و یا اشعار منتشر شده در جنگل، اعیان و اشراف و وزرا به جهت بی‌توجهی‌شان به وضعیت جامعه و مردم نقد می‌شدند. بدین‌سان، جنگلی‌ها، ضمن اعلام ناامیدی از دولت و دولتمردان در بهبود اوضاع کشور، بر ضرورت قیام علیه وضع موجود و حفظ کشور در برابر غارتگران داخلی و خارجی تأکید می‌ورزیدند و سکوت و سکون را جایز نمی‌دانستند. در یکی از اشعار گیلکی چنین آمده:

امه بزرگانم همه اعیان و اشراف و وزیر گویاکه سربه‌سر ایسد به خواب یا مست و مملنگ

معلوم بهه امه دولت امه ره نخوایه کارکودن پس امه چره جه دس بدیم امه ناموس و عاروننگ
(همان، ش ۱۸، ص ۷)
[معنی شعر: بزرگان ما، یعنی اعیان و اشراف و وزیران، انگار همه در خواب و مست و ملنگ‌اند. معلوم است که دولت ما نمی‌خواهد برای ما کار بکند. پس ما چرا ناموس (وطن) خود را از دست بدهیم و ننگ و عار را بپذیریم؟]
یا، در شعری دیگر، این‌طور بیان شده‌است:

آی برار بُشو به طهران
تو بدین آمه وزیران
تا بدانی حالِ ایران

(همان، ش ۱۹، ص ۸)

[معنی شعر: ای برادر، برو به تهران. بین وزیران ما را؛ تا حال و روز ایران را بفهمی.]
به‌باور جنگلی‌ها، ناکارآمدی دولتمردان و اشرافیگری و قدرت‌طلبی و میلشان به کسب ثروت و جایگاه‌ها و القاب دولتی اوضاع نامطلوبی برای ایران رقم زده بود؛ اوضاعی که حاکمیت می‌بایست خود را در برابر آن مسئول می‌دانست و چنین بی‌تفاوت نمی‌بود:

تابه‌کی باید خطابِ اشرف و عنوانِ قدس؟ تابه‌کی جویی مقامِ ارفع و شأنِ اجل؟
ما اگر بودیم اندک هوشیار و دوربین کی چنین درمانده می‌گشتیم عاجز زین قیل؟
(همان، ش ۴، ص ۷)

در یکی از ابیات بخش ادبیات شماره دوازدهم جنگل، ضمن نقد وزرا و مسئولان، به درماندگی شاه از اداره کشور اشاره می‌شود:

چون وزیر از کار مآند، اسب می‌تازد حریف عقل رخ می‌تابد و شه مات از این دیوانگی
(همان، ش ۱۲، ص ۷)

در پاره‌ای از اشعار نیز، ضمن اشاره به ضعف‌ها و مشکلات داخلی کشور، از فقدان روحیه کاروتلاش جمعی در ساختن مملکت و نیز از خودمداری و بی‌بصیرتی و ناآگاهی و بی‌ارادگی ملت در رفع موانع موجود شکایت شده‌است (همان، ش ۱، ۳، ۱۲، ۲۵ و ...). به نمونه‌ای از این اشعار نظر افکنیم:

جُلّتا فکر تلکه به دوصد شیوه و رنگ ما همه لولِ پاتیلیم ز افیون و ز بنگ
از ممدجّنی گرفته تا به‌کل مهدی‌پلنگ صاف اندر خور و خوابیم همه مست و ملنگ
کی می‌گه ملت ایران همه بیدار شده؟!

(همان، ش ۳، ص ۶)

بیگانه‌ستیزی و نقد سیاست‌های بین‌المللی

در نگاه رهبران جنبش جنگل، وابستگی دولتمردان قاجاری به بیگانگان (عدم استقلال ایران) و نیز مداخله و نفوذ انگلیس و روس تزاری در امور مملکت از مهم‌ترین عوامل عقب‌ماندگی و اوضاع نابسامان داخلی ایران قلمداد می‌شد. اتخاذ مواضع بیگانه‌ستیزانه و نیز نقد سیاست‌های کشورهای خارجی، به مثابه یکی از مؤلفه‌های ادبیات پایداری، در برخی اشعار منتشرشده در جنگل بازتاب یافته‌است. یکی از این اشعار انتقادی است به سیاست‌های برخی کشورها در قبال کشورهای ضعیف‌تر - به‌الأخص ایران - و سکوت مجامع بین‌المللی در برابر ظلم دول خارجی به ملت ما:

یارب این نیرنگ وافسون چیست این مکر و دغل کاین چنین رایج بود در نزد ارباب دول
نالۀ یک ملتی گر کر کند گوش فلک نشنوند هرگز ز یک دولت جواب و [لا و] بل
(جنگل، ش ۴، ص ۶)

یا این بیت:

ندانما، با چه حق، این متمدن دول کنند با جد و جهد به کار ایران خلل؟
(همان، ش ۲۹، ص ۷)
در شماره چهارم آن روزنامه، با بهره‌گرفتن از زبان شعر، تمدن جدید و سیاست‌های نظام بین‌الملل و عهدشکنی ابرقدرتان و ظلم زورگویان به کشورهای ضعیف‌تر به نقد کشیده و شکایت می‌شود از اینکه در کشورهای غربی علم ابزاری برای نابودی انسان و انسانیت شده‌است. (همان، ش ۴، ص ۷)
حضور نیروهای روس و انگلیس در شمال و جنوب ایران و اشغال آن نواحی در اواخر دوره قاجار و نیز درماندگی دولتمردان قاجاری در مواجهه با قدرت‌های خارجی از عواملی است که آزردگی آزادی‌خواهان و وطن‌دوستان ایرانی را موجب شده بود. یکی از مطالبات و اهداف مبارزان جنبش جنگل خروج نیروهای نظامی انگلیس و روس تزاری از خاک ایران بود.
محتوای جنگل و اشعار انتشار یافته در آن نشان می‌دهد، از میان دول استعماری، انگلیس بیش از همه در معرض نقد و حمله جنگلی‌ها بوده‌است:

اوی انگلیس اوی انگلیس، تی جانک نمک و اسین کونوس چماق بیدینی؛ یکسره دوی تی بام سر
تی خوج‌خور مشت زنیم؛ تی گازگابیل فکنیم تر بُدو دهیم بیشی آنام وُر سیام سر
(همان، ش ۱۳، ص ۶-۷)

۱. جهت رفع اختلال وزن افزوده شد. ویراستار

[معنی شعر: ای انگلیس، ای انگلیس، به جانِ خودت نمک بزن. چوب و چماقِ درخت ازگیل به تو خواهد خورد و فوراً می‌دوی و فرار می‌کنی به سمت بام و کشورِ خودت. به خوج خورت مشت می‌زنیم (کنایه از اینکه تو را می‌زنیم)؛ دندان‌هایت را می‌ریزیم و تو را فراری می‌دهیم.]

در یکی از اشعار، ضمن اشاره به تجربه استعمار انگلیس در هند، از لزوم آگاهی ایرانیان از سیاست استعماری انگلیس در ایران و ضرورت ایستادگی و اتخاذ رویکرد ضد استعماری در برابر نفوذ آن کشور سخن گفته شده است:

ایرانیان! ایرانیان! همت کنید، همت کنید
گر انگلیس دس بیابه مملکت کیانِ سر
مثل هندوستان امه ره خوار و ذلیل خواجه کودن
امه را نهه اخبه سر مصر پالو عمان سر
(همان، ش ۱۷، ص ۸)

[معنی شعر: ای ایرانیان، ای ایرانیان، همت کنید؛ همت کنید که انگلیس، اگر به مملکت ما دست پیدا کند، ما را هم مثل هندوستان خوار و ذلیل خواهد کرد. و ما را، آخر سر، کنار مصر قرار می‌دهد بالای عمان. (کنایه از اینکه زیر سلطه و استعمار انگلیس خواهیم رفت.)]

جنگلی‌ها، در شماری از یادداشت‌های خود در جنگل، از وابستگی دولتمردان ایران به انگلیس و از مداخله و نفوذ انگلیس در امور ایران سخن گفته و شکوه کرده‌اند. در یکی از اشعار گیلکی، ضمن نقد وزرا و مسئولان مملکتی، به نقش انگلیس در تعیین کابینه دولت اشاره شده است. (همان، ش ۱۹، ص ۸)

انتقاد از تجاوزگری‌های روس تزاری از دیگر مضامین اشعار جنگلی‌هاست. نظر به زوال قدرت روس تزاری و وقوع انقلاب بلشویکی در روسیه و تغییر موقت سیاست‌های آن کشور در قبال ایران، در شعری، ضمن مخاطب قرار دادن انگلیسی‌ها، به آن‌ها گوشزد می‌شود که از سرنوشت روس تزاری عبرت بگیرند و در به‌ذلت کشاندن ایران پای نقش‌نند:

ذلت روس ار بریطانی به عبرت بنگرد
بیش از این پانفشد در ذلت این مرزوبوم
(همان، ش ۲۵، ص ۷)

دعوت به قیام و مبارزه مسلحانه

در اندیشه جنگلی‌ها، مبارزه مسلحانه و ایستادگی در برابر دشمنان ارزشمند بود؛ از این رو، ضمن ستودن رهبران مبارز و ازجان‌گذشته خود، مخاطبان‌شان پیوسته به پیوستن به جنگلی‌ها تشجیع می‌شدند. در شعری، روحیه حماسی و مقاوم و اقدامات مسلحانه جنگلی‌ها این‌گونه ستایش شده است:

شیران نرنند خفته اینک
در پای درخت‌های جنگل

مردان ز جان و سرگذشته گشتند چو رهنمای جنگل
خوش‌تر ز نوای بر ربط و ساز آواز فشنگ‌های جنگل
(جنگل، ش ۲۸، ص ۷)

جنبش جنگل صرفاً جنبشی سیاسی نبود؛ بلکه جنگلی‌ها در مسیر تحقق اهدافشان، ضمن ایجاد تشکیلات سیاسی، به انجام‌دادن فعالیت‌های نظامی بر ضد نیروهای بیگانه و بعضاً نیروهای خائن داخلی تأکید می‌کردند:

خائنه، هر جا بیدید، خوب انی گوشافاکشید
چره‌که آبدصفتان مفسد و خام و زشتیدی
راه دکفید؛ هرته امه پسر برار کشته بیو
هرای نفر به صدهزار کرورتومن ارزشیدی
(همان، ش ۲۷، ص ۷)

[معنی شعر: خائن را، هر جا دیدید، خوب گوشش را بکشید؛ چراکه آن بدصفتان مفسد و خام و زشت‌اند. راه بیفتید! هر نفر از پسران و برادران ما کشته شود، هریک نفر به صدهزار کرور ارزش دارد.]
در اشعار چاپ‌شده در جنگل، همواره بر لزوم حرکت نظامی و اسلحه‌به‌دست‌گرفتن در مواجهه با دشمن خارجی (انگلیس و روسیه) تأکید می‌شود:

خیزید ایرانیان حال وطن شد پریش
چه عقرب این ناکسان زنند او را به نیش
گه به دغل از جنوب، گه به حیل از شمال
(همان، ش ۲۹، ص ۷)

در این گونه شعرها از مخاطبان خواسته می‌شود، ضمن کنارگذاشتن اختلافات و دودستگی‌ها و پیوستن به صفوف مبارزان، زمینه‌رهایی مملکت را از بند استعمار و تجاوز انگلیس فراهم آورند:

پس بایید، ای جان برار، اما بکنیم اتفاق
بلکه انه سره اما بکوبسیم آخر به سنگ
(همان، ش ۱۸، ص ۷)

[معنی شعر: پس بیایید، ای جان برادر، ما با هم اتحاد بکنیم تا بلکه شاید آن سر (انگلیس) را آخر به سنگ بکوبیم.]

تأکید بر ارزش استقلال، آزادی، و عدالت‌طلبی

با تأمل در محتوای جنگل می‌توان دریافت استقلال‌طلبی، دستیابی کشور به آزادی و رفع وابستگی به بیگانگان و بیش از همه به انگلیس، حفظ خاک میهن، و برقراری عدالت از مهم‌ترین ارزش‌هایی است که جنگلی‌ها برای تحقق آن مبارزه می‌کرده‌اند؛ چنان‌که بخش درخور توجهی از مکتوبات و بیانیه‌های سیاسی و اشعار آنان همواره بازتاب‌دهنده این نوع از مؤلفه‌های ادبیات پایداری است.

در یکی از اشعار، ضمن گلایه از کم‌هوشی و عاقبت‌نیندیشی و درماندگی دولتمردان در حفظ اقتدار کشور، «استقلال» طلبی و «مرگ» در راه هدف ارزش دانسته می‌شود:

ما اگر بودیم اندک هوشیار و دوربین کی چنین درمانده می‌گشتیم عاجز زین‌قبل
مرگ و استقلال نصب‌العین می‌باید از آنک بهترین هر کلامی هست ما قَلَّ و دَلَّ
(همان، ش ۴، ص ۷)

ضرورت برخورداری از آزادی بیان و اندیشه از دیگر ارزش‌هایی است که در اشعار آن روزنامه بازتاب یافته؛ از آن جمله است شعری معروف از اشرف‌الدین حسینی (نسیم شمال):

هیچ مفهم، این‌همه عنوان مکن خواهش نافهمی انسان مکن
لال شوم، کور شوم، کر شوم لیک مُحال است که من خر شوم
(همان، ش ۶، ص ۵)

چنان‌که پیش‌تر آمد، عدالت‌خواهی و عدل‌گستری نیز از جمله آرمان‌های جنگلی‌هاست. کاربرد کلیدواژه «عدل» و «عدالت»، در این ابیات، گواهی است بر وجود چنین داعیه‌ای در میان آن‌ها:

ای خسته ظلم و جور برخیز عدل است همه بنای جنگل
(همان، ش ۲۸، ص ۷)

ملک عجم که بودی یک‌چند مهبط جور ز آوای عدل پر شد از اعتدال جنگل
(همان، [ش ۴۰]، ص ۵۵۰)

هرکه عدالت‌خواه خدا اونه ظفر دهه شما، که حق‌پرستیدی، مردم خوش‌سروشیدی
(همان، ش ۲۷، ص ۷)

نتیجه

بررسی مضامین اشعار مندرج در جنگل گامی است در جهت شناخت عمیق‌تر بخشی از میراث ارزشمند ادبیات پایداری و تاریخ و هویت جنبش جنگل و اهداف و آرمان‌های رهبران آن. مطالعه و مرور این اشعار درواقع مرور و بازخوانی باورها و آرمان‌های جنگلی‌ها و نیز شناخت پیشینه مقاومت و پایداری جامعه ایرانی است در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی.

صاحب‌نظران، تاکنون، تحلیل‌های متفاوتی از چیستی و چرایی شکل‌گیری جنبش جنگل و رویکردها و جهت‌گیری‌های کنشگران و رهبران آن به دست داده‌اند. برخی آن را در شمار جنبش‌های تجزیه‌طلبانه قلمداد می‌کنند و برخی هم معتقدند بر مبنای دغدغه‌های ملی-اسلامی و انگیزه‌های ضد استعماری شکل گرفته است؛ گروهی هم بر رویکردهای چپ‌گرایانه و بلشویکی جنبش و گرایش‌های کمونیستی برخی رهبران آن تأکید می‌ورزند. قضاوت درباره هر یک از این گزاره‌ها، بدون

بررسی و مطالعه اسناد تاریخی، ناممکن خواهد بود. تأمل در محتوای اشعار انتشار یافته مقارن خیزش جنگلی‌ها ما را در شناخت هرچه بیشتر ماهیت جنبش و اهداف و رویکردهای هیئت اتحاد اسلام و جنگلی‌ها یاری خواهد کرد. جنگلی‌ها، در قالب این اشعار، از گرایش‌ها و اهداف و آرمان‌های سیاسی-اجتماعی خود و از چرایی و چگونگی مبارزه‌شان سخن گفته‌اند.

در مقاله حاضر تلاش شد، با بررسی محتوایی اشعار منتشر شده در جنگل، برجسته‌ترین مؤلفه‌های ادبیات پایداری در آن‌ها استخراج شود؛ با این هدف که دستاوردهای ما بتواند به شناخت عمیق‌تر پژوهشگران از اهداف جنبش جنگل و کنش‌گران آن بینجامد. با تکیه بر یافته‌های پژوهش می‌توان گفت برخی موضوعاتی که در اشعار روزنامه جنگل بازتاب یافته از این قرار است: احساسات میهنی و وطن‌دوستانه، گرایش‌های دینی و اسلامی، بیگانه‌ستیزی و نقد سیاست‌های نظام بین‌الملل، نقد وضعیت نابسامان داخلی، دعوت به قیام و مبارزه مسلحانه، و دفاع از ارزش‌هایی چون استقلال‌طلبی و آزادی و عدالت‌خواهی و ...

ملی‌گرایی و دفاع از خاک وطن در برابر بیگانگان — به‌ویژه انگلیس و روس تزاری — و اعتراض به وضع نامطلوب موجود از پربسامدترین موضوعات اشعار آن روزنامه است. در این دسته اشعار، عمدتاً بر ریزموضوعاتی چون نقد حاکمان و وزرا و شیوه مملکت‌داری آن‌ها، ضعف ویژگی‌های جامعه ایرانی و فقدان عزم ملی برای آبادانی و ساخت کشور، و نیز اظهار نارضایتی از تحقق نیافتن آرمان‌های مشروطه تأکید رفته است.

استقلال‌طلبی و بیگانه‌ستیزی از جمله مهم‌ترین شعارهای رهبران جنبش جنگل و از مضامین پربسامد اشعار روزنامه منتسب به آن‌هاست. محتوای اشعار حاکی از آن است که، از میان دول خارجه، انگلیس و، بعد از آن، روسیه تزاری در معرض بیشترین حملات انتقادی جنگلی‌ها بوده‌اند. جدول زیر فهرستی است از مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار انتشار یافته در جنگل.

جدول مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار روزنامه جنگل

مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار روزنامه جنگل
میهن‌دوستی و احساسات ملی‌گرایانه
دعوت به اتحاد و همدلی
نقد و اعتراض به وضع نابسامان داخلی
بیگانه‌ستیزی و نقد سیاست‌های بین‌المللی
تأکید بر هویت دینی-اسلامی
دعوت به قیام و مبارزه مسلحانه
تأکید بر ارزشمندی عدالت‌طلبی و استقلال و آزادی

منابع

- جنگل (روزنامه؛ سال ۱ تا ۴: ۲۰ خرداد ۱۲۹۶ ش- ۴ مرداد ۱۲۹۹ ش)، به‌کوشش و با مقدمه هادی میرزائاد موحد، ویرایش بهنام رمضان‌نژاد، فرهنگ ایلیا، رشت ۱۳۹۶.
- دلاور، علی، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، رشد، تهران ۱۳۷۴.
- سنگری، محمدرضا، ادبیات دفاع مقدس (مباحث نظری و شناخت اجمالی گونه‌های ادبی)، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، تهران ۱۳۸۹.
- عیسی‌نیا، رضا، «امام و ادبیات پایداری»، پژوهش‌نامه متین، ش ۳۰، بهار ۱۳۸۵، ص ۱۲۱-۱۴۴.
- فخرایی، ابراهیم، سردار جنگل (میرزا کوچک‌خان)، جاویدان، تهران ۱۲۵۴ ق/ ۱۳۴۴ ش.
- کافی، غلامرضا، «پیشنهادی برای رج‌بندی گروه-مؤلفه‌های ادبیات پایداری»، نشریه ادبیات پایداری، سال سیزدهم، ش ۲۴، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ص ۱۳۷-۱۶۷.
- گلی‌زواره، غلامرضا، ماه در محاق (زندگی و مبارزات میرزا کوچک‌خان جنگلی)، سازمان تبلیغات اسلامی؛ شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، تهران ۱۳۸۳.
- میرزائاد موحد، هادی، «مقدمه» بر جنگل ← جنگل.

